



۱۶

آداب و رسوم ملت ایران

چاپ دوم

آذرتاش آذربوش
دانشیار دانشگاه تهران

شورای عالی فرهنگ و هنر
مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی

۳۹

آموزش فرهنگ میهنی

آداب و رسوم ملی ایران

آذرتاش آذرنوش

دانشیار دانشگاه تهران

شورای عالی فرهنگ و هنر
مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی

آداب و رسوم ملی ایران

مجموعه آموزش فرهنگ میهنی
چاپ و صحافی: چاپخانه سپهر، تهران
تعداد: ۱۰۰۰ نسخه
تهران - فروردین ماه ۱۳۳۵

توضیح و تذکار

بفرمان مطاع مبارك اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و بنا بر تصمیمات متخذہ در ششمین و هفتمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر، مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی وابسته به شورای عالی فرهنگ و هنر مأموریت یافت که بعد از مطالعات و بررسیهای لازم در زمینه آموزش فرهنگ میهنی بتعیین میزان و برنامه مواد درسی در این راه پرداخته متون مورد احتیاج را تهیه و تدوین نماید تا هم در نخستین سال دانشگاههای کشور مورد استفاده قرار گیرد و هم بتوان با استفاده از آنها در سطوح پایین تر آموزشی مطالب مورد لزوم را در تعلیم فرهنگ میهنی فراهم آورد. بر اثر مطالعات و بررسیهایی که انجام گرفت نیست و نه موضوع ذیل برای تهیه مطالب لازم در نیست و نه رساله مستقل انتخاب گردید که رساله حاضریکی از آنهاست. بخواننده گرامی پیشنهاد می شود همه رسالاتی را که در این راه با شماره (۳۹) فراهم و بتدریج منتشر می شود نگهداری و بموقع بترتیب ذیل مرتب کند و در یک مجلد جمع نماید:

- ۱- تاریخ شاهنشاهی ایران و مقام معنوی آن
- ۲- پیوستگی آیین شاهنشاهی با زندگی و معتقدات ایرانیان
- ۳- کوشش و جانبازی ایرانیان برای پاسداری آیین شاهنشاهی ایران
- ۴- روستائینی در ایران
- ۵- زندگی روزمره ایرانیان در خلال روزگاران

- ۶- نگاهی به تاریخ ایران
- ۷- علل و زمینه‌های پیروزیها و شکستهای ایرانیان
- ۸- سیری در تاریخچه روابط ایران با جهان از آغاز تا امروز
- ۹- فرهنگ ایران در برخورد با فرهنگهای دیگر
- ۱۰- بزرگان ایران در دوره نخستین اسلام
- ۱۱- سیر تاریخی و اجتماعی شاهنشاهی ایران
- ۱۲- مرزهای ایران در دوران تاریخ
- ۱۳- ثروت‌ها و برکتهای سرزمین ایران
- ۱۴- سهم فرهنگ ایران در پیشرفت بشریت
- ۱۵- استمرار فرهنگ ساسانی در دوران اسلامی و علل و عوامل آن
- ۱۶- هنرهای ایرانی و آثار برجسته آن
- ۱۷- آداب و رسوم ملی ایران
- ۱۸- ایران امروز
- ۱۹- خدمات دودمانهای شاهنشاهی ایران
- ۲۰- سیری در تاریخ زبانها و ادب ایرانی
- ۲۱- همبستگی و یگانگی ملی ایرانیان
- ۲۲- شناخت ملت ایران (تیره‌های ایرانی - خانواده و جامعه ایرانی)
و ویژگیهای آن
- ۲۳- تقدس سرزمین ایران در آیین ایرانی
- ۲۴- بستر جغرافیائی تاریخ ایران
- ۲۵- شناسایی سرزمین ایران با توجه به زیباییها و ویژگیهای آن
- ۲۶- پایتخت‌ها و شهرهای نامی و تاریخی ایران و نقش آنها در تاریخ و فرهنگ سرزمین ایران
- ۲۷- پیوند زندگی و تاریخ و فرهنگ ایرانی با سرزمین ایران
- ۲۸- ویژگیهای فرهنگ ایرانی و تأثیر آن در وحدت و استقلال ملی ایرانیان
- ۲۹- جنبش‌ها و فعالیتهای فکری و دینی ایرانیان
- نکته مهمی که باید درباره این رسالات بدان توجه داشت آنست که تهیه

آنها بقصد آموزش فرهنگ میهنی انجام گرفته است نه بعنوان پژوهشی در این راه، زیرا بدیهی است که پژوهش در اینگونه مسائل هم نیازمند وقت و نیروی انسانی بیشتر است و هم نتایج آنها را نمی‌توان در صفحاتی چنین محدود گنجانید. این جزوهای تعلیمی در حقیقت بمنزله «طرح مطالب درباره آموزش فرهنگ میهنی» و بحثی مقدماتی راجع به آنهاست. درستست که بعضی از همکاران ارجمند در بحث خود از حدود طرح موضوع فراتر رفته و تا حدی در شرح مطالب بتفصیل گراییده‌اند، لیکن غالب همکاران دیگر حدود اختصار را در این راه نگاه داشته و جانب آنرا رعایت کرده‌اند تا کثرت تعداد صفحات، امر یادگیری را برای دانشجویان دشوار نسازد.

مقصود ما از طرح این مطالب در راه آموزش فرهنگ میهنی آنست که به اهل پژوهش و تحقیق، خاصه باستانی که عهده دارند تدریس این مطالبند فرصتی داده شود تا موضوعات را بر حسب اطلاع خود مجدداً بررسی کنند و اگر نتایج بهتری از بررسی‌های خود یافتند آنرا بصورت جزوه‌های کاملتری عرضه دارند تا این موضوع بسیار تازه و جالب بتواند جای خود را چنانکه باید در میان مواد درسی دانشگاهی ما بیابد.

مطالبی که در رسالات حاضر جمع آمده چندان زیاد و دامنه بحث در آنها چنان وسیع است که متأسفانه نتوانستیم با همه کوششهای خود آنها را در صفحات محدود بگنجانیم، خاصه که مقصود ما در تهیه این جزوها طرح مطالب بود نه تدوین آنها بصورت کتابهای درسی موجز، بنابراین از استادان و معلمان ارجمند انتظار می‌رود که کیفیت تلخیص مطالب این رسالات را به دانشجویان پیامورند و خود نیز من باب راهنمایی خلاصه‌هایی از آنها برای یادگیری دانشجویان ترتیب دهند تا مقصود از شناخت فرهنگ میهنی در آموزش عالی بهتر و سریعتر حاصل گردد.

مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی
شورای عالی فرهنگ و هنر

در کشوری مانند ایران که طی دوسه هزار سال گذرگاه یا زادگاه فرهنگ‌های گوناگون بوده است، وازدیرباز مردمانی با درجات عقلی و فرهنگی سخت مختلف در آن مسکن گزیده‌اند، در سرزمینی که مناطق خرم و آبادان آن گاه جنگجویان فاتح و گاه مهاجران بیگانه را بخود جلب کرده، و نواحی صحرایی و کوهستانی آن، اقوام نخستین را از گزند عوامل خارجی محفوظ می‌داشته، در چنین سرزمینی، عقاید و آداب و رسوم آنچنان متنوع بوجود آمده است که نظیر آنرا در کمتر کشوری می‌توان یافت.

در ایران، عقاید و مراسم مذهبی و ملی از همان ابتدا، دستخوش تغییر و تحول بوده است. عقاید ابتدایی و آیین‌هایی که از یکتاپرستی به دور بود با دین زردشت در آمیخت، سپس فکر یکتاپرستی در مفهوم اهورامزدا جلوه کرد. بعد از آن، اهریمن مقام مهمی یافت و باعث گردید در آیین زردشتی، دوگانده پرستی اساس دین گردد. در حاشیه دین زردشت دین‌های دیگر ایرانی نضج گرفتند که از آن جمله مهرپرستی، و در زمانهای متأخرتر، آیین مانئ و مزدکرامی توان نام برد.

پایه پای عقاید مذهبی، داستانها و اسطوره‌ها و حماسه‌های ملی نیز گسترش می‌یافت و پیوسته به رنگ تازه‌یی در می‌آمد، و طی قرون، بلاد استانهای

دینی آمیزش شگفت یافت.

فرارسیدن اسلام و فتح ایران به دست اعراب مسلمان البته باعث نشد که یکباره، این همه افسانه ملی و دینی و مراسمی که به آنها مربوط بوده، و بیست اعتقادات عامیانه‌یی که از آنها زاییده شده بوده از میان برود. معذک می‌توان گفت که با مسلمان شدن تدریجی ایرانیان، از وسعت این عقاید زردشتی و بیست ملی تاحدی کاسته شد، و اندک اندک معتقدات و داستانهای دینی اسلامی در میان توده ایرانیان نفوذ کرد و در بسیاری از موارد جایگزین آثار گذشته شد. در چنین شرایط، طبیعی است که عقیده عامه، دچار نوعی تناقض گردد. زیرا از یکطرف تفکرات اسلامی که ایرانیان سخت از آنها به دور بودند و مقابل آنها احساس بیگانگی می‌کردند در اندیشه عموم جای می‌گرفت، و از طرف دیگر افسانه‌ها و آیین‌های ملی که گاه بیش از هزار سال از عمرشان می‌گذشت، جزئی از زندگی ایرانیان و مسلمانان را تشکیل میداد، و بسا اتفاق می‌افتاد که روال کلی داستانهای ملی یا نیمه مذهبی گذشته، یا برخی رسوم و آداب که میان ایرانیان باقیمانده بود با گوشه‌هایی از عقاید اسلامی تضاد آشکار می‌یافت. باین جهت، روح ایوانی به تکاپو افتاد و کوشید تا جایی که ممکن است، پدیده‌های گذشته را با جلوه‌های آیین جدید آشتی دهد. به این ترتیب عامه مردم کوشیدند شخصیت‌های کهن ملی را در قالب شخصیت‌های اسلامی باز یابند، یا به اینان، آنچه را خود در اندیشه

داشتند نسبت دهند، وسنتهای ملی ایرانی را با سنتهای اسلامی درآمیزند .
به این ترتیب، شاید بتوانیم ریشه آداب و رسم ایرانی را در سه جنبه^۹
مختلف جستجو کنیم :

دسته ی از آنها از دیرینه های پیش از اسلام باقی مانده که گاه به صورتهای
دیگر در سنتهای اسلام جلوه گر شده اند و گاه با همان اصالت باستانی خود به سه
عنوان جشنها و آیینهای ملی موجود اند .

دسته دوم آنها ای است که ریشه اسلامی دارند و گاهی بارنگ اسلامی
اصیل، وزمانی دیگر با جامه ایرانی آشکار میگردند .

دسته سوم مجموعه معتقدات و خرافات و موهوماتی است که ظاهراً ریشه
ملی یا دینی ندارند، بلکه باید مبدأ آنها را ترس انسان از طبیعت و نیروهای
آن یا بیم از بیماری و مرگ و حوادث گوناگون دانست.

بر شماردن آیینها و عادات ایرانی کاری نیست که در این مختصر گفتار،
یا حتی در یک کتاب بگنجد . از طرفی، آشنایی با همه این احوال باین آسانی
صورت نمی پذیرد . بلکه لازم است محققان بیشمار به شهرها و دهکده ها و یا به میان
قبائل و ایلات سفر کنند و با بردباری و تحمل فراوان به گردآوری فلکور ایشان
بپردازند . در این سالهای اخیر که چهره تمدن ایرانی با سرعتی شگفت دگرگون
می شود، جمع آوری این آثار سخت ضروری به نظر می رسد، زیرا، در غیر این صورت،

قسمت بزرگی از فلکلور ایران نابود خواهد شد . خوب است در اینجا به آنچه تاکنون در این زمینه انجام شده اشاره مختصر بنماییم :

در سالهای بعد از آغاز مشروطه ، گروهی از روشنفکران ایرانی که نفوذ شدید اروپا و تحول سریع جامعه ایرانی را به چشم میدیدند ، دریافتند که اگر برای جمع آوری وضبط آیین ها و رسمها و افسانه ها و ترانه های فارسی اقدام نکنند . اندك اندك ، فلکلور ایران در مقابل هجوم تمدن جدید ، از شهرها رانده شده به دهکده ها پناه می برد و از آنجانب نیز پس از چندی نابود می گردد . اگرچه دست زد ن به این کار آسان نبود و گروهی فراهم آوردن این " خرافات و موهومات " را بیفایده و دور از تمدن می شماردند ، معذلك ، از حدود سال ۱۳۰۰ شمسی کوشش های عمده یی در این زمینه صورت گرفت . هر بار صحبت از فلکلور ایران می شود ، نام خاورشناس معروف فرانسوی هانری ماسه ^{سنتس} به خاطر می آید که با کوششی خستگی ناپذیر ، وبه یاری نویسندگان بزرگ ایران از قبیل صادق هدایت به جمع آوری عقاید و عادات ایرانیان همت گماشت و نتیجه کار خود را در سال ۱۹۳۸ میلادی در دو جلد کتاب انتشار داد (۱).

1- Henri Massé : Croyances et Coutumes Persanes, suivies de contes et chansons populaires. Paris, 1938, 2 Vol.

در همان ایام ، نویسندگان ایرانی نیز به این جنبه از فرهنگ فارسی پرداخته چند کتاب و مقاله معتبر انتشار دادند که از همه مهتر "نیونگستان" صادق هدایت بود . مرحوم دهخدا نیز کتاب "امثال و حکم" را تألیف کرد که تا حدی به این جنبه مربوط بود . علاوه بر آن برخی مانند ملك الشعرای بهار و علیرضا بهبهانی مقالاتی در این زمینه ها منتشر ساختند . در سالهای اخیر توجه بیشتری به این امر شد و وزارت فرهنگ و هنر ، "مرکز مردم شناسی ایران" را افتتاح کرد ، و امروز در فهرست انتشارات این وزارت ، به نام چندین کتاب مفید در این زمینه برمی خوریم . یکی از عالیترین منابع تحقیق درباره فلکlor قدیم و جدید ایران ، کتابهای بیشماری است که مسافران خارجی از زمان صفوی تا کنون نوشته و برای ماباقی گذاشته اند . در این کتابها که عموماً "به شرح چگونگی کشور و حکومت پادشاهان" بازگانی اختصاص دارد ، نویسندگان تیزبین ، نکات بسیار عمده ای درباره عقاید و عادات ایرانیان نیز ذکر کرده اند که برخی از آنها اینک از یاد رفته است . از آن جمله مثلاً "دلاواله" (Della Valle) در ضمن یادداشت های گرانبهای که درباره سفارت خود در ایران نگاشته ، به بازی با تخم مرغ اشاره میکند و شرح می دهد که شاهان ایران نیز در دربار به این بازی توجه داشتند و هنگام جشن نوروز تعداد بیشماری تخم مرغ میان مردم پخش می کردند . امروز از این بازی و این آیین جز نمونه های کم اهمیتی باقی نیست . همچنین "الاریوس" (Olearius)

به رسم آب افشانی که از رسم زیبا و کهن ایرانیان بوده اشاره می‌کند .
 با اینکه در این گفتار کوتاه نمیتوان به فلک‌ور ایران پرداخت ، معذک
 شایسته است به برخی از عادات و آئین‌هایی که از دوران‌های پیش از اسلام باقیمانده
 اشاره کنیم :

از ابتدای اسلام ، دستگاه حکومت و نیز مردم که بر اساس محصولات کشاورزی
 خود مالیات می‌پرداختند ، با این مشکل مواجه بودند که : در چه تاریخی می‌توان
 به جمع‌آوری مالیات‌ها آغاز کرد ؟ در سال قمری که حدود ده روز و شش ساعت و
 یازده ثانیه از سال حقیقی شمسی کوتاه‌تر است ، پیوسته تاریخ‌ها جا به جا می‌شد و مثلاً*
 مبدأ تاریخ که هجرت حضرت پیامبر از مکه به مدینه است (۶۲۲ میلادی) ، گاه در
 تابستان ، گاه در زمستان و یاد ر فصول دیگر واقع می‌شد . این اشکال باعث شد که
 از همان ابتدا در شرق اسلامی ، گاه شماری ایرانی ، و بخصوص تاریخ یزدگردی بکار
 گرفته آید . سالهای ایرانی نیز خالی از اشکال نبود ، زیرا محاسبه خمس مستقره
 (که به فارسی پنجه ، پنجه دزدیده ، و در پهلوی بهیژک یا اندرگاه می‌خواندند)
 در زمان ساسانیان روش دقیق و بی‌نقصی نداشت . به این جهت به تدریج ایرانیان
 به اصلاح این تقویم پرداختند و به آن کمال بخشیدند ، تا سرانجام در سال ۱۳۳۴
 عجری (برابر با ۱۳۰۴ شمسی) استفاده از گاه‌شماری قمری متروک و سال شمسی
 در کشور ایران رسمی شد . معذک برای تعیین اعیاد یا مراسم عزاداری مذهبی

تقویم هجری قمری همچنان به قوت خود باقیماند .

سال شمسی از دیوباز برای شناختن تاریخ اعیاد ایرانی که سخت فراوان بوده‌اند بکار می‌آمده است . در ایران ، ماه‌های هریک نامی داشتند که امروز هم با تلفظ جدید معروف اند . علاوه بر آن ، روزهای هرماه نیز به نام یکی از فرشتگان نامزد بودند ، و چون نام روز با نام ماه برخورد می‌کرد ، جشن بزرگی برپا می‌شد ؛ از آثار این جشن‌ها هنوز هم جشن مهرگان (یعنی روز مهر در ماه مهر) و جشن تیرگان (روز تیر در تیرماه) و مراسم آب افشانی میان برخی زردشتیان معمول است .

جشن‌های مهمتری مانند گاهنبارها (یعنی آن شش‌روزی که بنابه معتقدات زردشتی ، خداوند عالم را طی آنها آفرید ، و یا جشنهای اندرگاه (خمره مسترته) همه از میان رفته‌اند .

آنچه میان ایرانیان مسلمان باقیمانده ، منحصر است به چهارشنبه‌سوری ، نوروز ، سیزده‌نوروز ، جشن سده و احیاناً " جشن‌های کوچ‌کتری مانند جشن گل‌سرخ که در اصفهان مرسوم بوده است .

چهارشنبه‌سوری که از نظر مراسم و اعتقادات عامه بسیار غنی است ، بی‌تردید از بعد از اسلام رائج شده ، زیرا ایرانیان اصولاً " بانامهای ایام هفته و کلمه شنبه که از مثبت عبری اخذ شده آشنایی نداشتند . معذک نمی‌توان تصور کرد که این جشن بدون سابقه تاریخی بوجود آمده باشد . شاید جشن دیگری

(مثلاً "فروردگان" در چنین روزی معمول بوده که بعدها در قالب جشن چهارشنبه آخر سال جلوه کرده است.

درب برخی نواحی ایوان به این جشن رنگی کاملاً اسلامی داده آنرا در آخرین چهارشنبه ماه صفر که روز نحسی بشمار می آید برپا می دارند و علت آنرا نیز قیام مختار ثقفی به خوانخواهی امام حسین (ع) می دانند. معذک باتوجه به رسم آتش افروزی، تردیدی نمی ماند که این جشن با دوران زردشتیگری ایوان رابطه دارد. قدیمترین کتابی که در آن به چهارشنبه سوری اشاره شد، "تاریخ بخارا" تألیف نرشخی است (چاپ مدرس رضوی، ص ۳۲). در این کتاب آمده که از سرای منصور بن نوح "چون شب سوری - چنانکه رسم قدیم است - آتش عظیم افروختند. پاره آتش بجست و سقف سرای در گرفت. . . ." (۱)

پس از چهارشنبه سوری که در حقیقت مقدمه‌ی برای آغاز سال تازه است، جشن بزرگ نوروز واقع است - این جشن، تنها جشنی است که از دوران باستان، با عظمت تمام و همراه با انبوهی افسانه و آیین تا به امروز ادامه یافته و سخت مورد علاقه ایرانیان است. عظمت این جشن را، از نقش‌های تخت جمشید گرفته تا آثار (۱) - درباره چهارشنبه سوری رجوع کنید به مجله هنر و مردم، شماره‌های ۵۳-۵۴ (مقاله بلوک باشی)، ۷۷-۷۸ (مقاله پور کریم)، آناهیتا، تألیف پور داود، تهران، ۱۳۴۳، ص ۷۳، آئین‌های نوروزی، تألیف مرتضی هنری، تهران، ۱۳۵۲، ص ۱۸ به بعد. در مورد مراسم مربوط به چهارشنبه سوری، ر. ک. به Massé ص ۱۴۸.

عربی و فارسی و مراسم موجود، درهمه جامی توان دید. یکی از کهنترین و بزرگترین منابعی که به این جشن و افسانه‌ها و آیین‌های مربوط به آن اشاره کرده، کتاب "الآثار الباقیه" ابوریحان بیرونی (متوفی در ۴۴۰ هجری) است. نظریه اهمیت اطلاعاتی که ابوریحان در اختیار ما گذاشته، ترجمه خلاصه‌ی از گفتار او را، براساس آنچه در مقاله خود آورده‌ایم در اینجا نقل میکنیم: "سال نزد فارسیان چهار فصل بود. . . . برحسب این فصول عیدهایی داشتند که به علت اهمال در کیسه، روز این عیدها جابه‌جا میشد. از جمله این اعیاد یکی روز اول فروردین ماه، یعنی نوروز بود که روزی بس بزرگ است و به علت زنده شدن طبیعت گویند آغاز خلقت جهان در آن روز بوده و همان روز کیومرث شاه گردید. برخی از عوام گویند چون سلیمان پس از چهل روز انگشتی و ملک جهان را با زیافت مردمان گفتند "نوروز آمد". نیز سلیمان که بر باد سوار بود، از بیم ویران کردن لانه گنجشک به راه دیگر رفت. گنجشک پای ملخی و قطره آبی به او هدیه کرد. پس گویند رسم آب افشاندن و هدیه دادن در نوروز از آنجا سرچشمه گرفته. این روز که نزد علمای عجم سخت بزرگ است هر مژ روز خوانده میشود". بیرونی درباره وجه تسمیه نوروز، از قول "اصحاب النیرنجات و علمای فارسی" افسانه‌های متعددی نقل کرده است که غالباً به طهمورث

(۱) - ر. ک. به "تاریخ و فرهنگ کهن ایران در الآثار الباقیه" مقاله آذرنوش در "پرسیاهی درباره ابوریحان بیرونی" تهران، ۱۳۵۲، ص ۲۰۷. در پایان مقاله، به منابع لازم اشاره شده است.

وجمشید (جمشید) مربوط می گردد .

در آغاز ، نوروز در اول بهار قرار داشت ، بلکه در انقلاب صیفی ، یعنی اول تابستان واقع می گردید . بیرونی علت آنرا چنین می دانسته که مشاهده " انقلابین " از مشاهده " اعتدالین " آسانتر است و نیز چون محصول به دست آمده ، افتتاح خراج (مالیات زمین و محصول) مناسبتر است . اما نوروز به علت اهمال در کبیره گوی کم کم به تأخیر می افتاد تا اینکه در عصر بیرونی ، باد خول خورشید به برج حمل ، یعنی اول بهار مصادف شد . باین جهت ملوک خراسان به " اسواران " خود ، هم خلعت بهاری و هم خلعت تابستانی می دادند .

چنین به نظر می رسد که پنج روز نخستین سال " نوروزعامه " یعنی جشن همگانی بوده حال آنکه روز ششم که " خردادروز " نام داشته ، " نوروزخاصه " یعنی جشن پادشاه و درباریان بوده است . بیرونی این جشن را نوروز بزرگ خوانده و می نویسد : " نوروز بزرگ جشنی بس عظیم است و حوادثی بس بزرگ در آن روز رخ داد : آفرینش جهان پایان یافت زردشت با خداوند مناجات کرد ، کیمسرو به آسمان رفت ، نعمت های جهان تقسیم شد ، و باین جهت ایرانیان آنرا روز " امید " نامیده اند در آنروز ، مراعات کردن برخی رسم انسان را ازبایا به دور می دارد . " از جمله این رسم یکی سبز کردن جو بوده که بی تردید آیین سبز کردن حبوبات و چیدن هفت سین از آنجا سرچشمه گرفته . داستان از این قرار است :

"اهربین در زمین فساد انگیزت و مانع سبز شدن درختان شد . جم به فرمان خدا همچون خورشید طلوع کرد و درختان برگ برآوردند . مردم گفتند : "روز نو" و از باب تبرک در طشتهایی جوگاشتند . این رسم باقی ماند و ایرانیان در هفت ظرف هفت نوع دانه می کارند ."

در دنباله همین داستان ، بیرونی به مبدیاً رسم آب افشانی اشاره می کند که گفتیم ، بنابه روایت های مختلف ، خاصه روایت "الاریوس" (Olearius) در زمان صفوی هم رواج بسیار داشته . وی می نویسد : "در زمان جم ، جانسوران نمی مردند و زمین تنگ شد . خداوند زمین را سه برابر کرد و فرمود مردمان غسل کنند تا از گناه ببری گردند ." برخی منشأ رسم آب افشانی را همین غسل کردن در سپیدمد دم نوروز می دانند ، برخی علت آن را باریدن باران پس از مدتی طولانی ، و گروهبی پاکی جستن از آلودگی زمستان می پندارند (۱) .

* * *

(۱) - درباره نوروز کتابها و مقالات متعددی تألیف یافته که ما در مقاله خود تاریخ و فرهنگ کهن ایران در آثار الباقیه" به بسیاری از آنها اشاره کرده ایم . برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به : بزرگ زاده : جشنها و اعیاد ملی و مذهبی در ایران قبل از اسلام ، تهران ، ۱۳۵۰ ، هنری : آئین های نوروزی ، تهران ، ۱۳۵۳ ، ازگائی : نوروز - تاریخچه و مرجع شناسی ، تهران ، ۱۳۵۳ . در این کتاب اخیر به بسیاری از منابع فارسی و عربی اشاره شده است .

از دیگر جشنهای اصیل ایرانی که تاکنون باقیمانده، یکی سیزده بدر است که از مبدأ آن دقیقاً اطلاع نداریم. خارج شدن همه مردم از خانه و شهر بی‌گمان با عقیده عمیق بر نحوست این روز رابطه دارد. این جشن که در عصر ما پیش از یک روز دوام ندارد از نظر آداب و رسم حتی از نوروز نیز غنی‌تر و شاداب‌تر است. جشن بسیار بزرگ دیگری که امروز متأسفانه در میان توده مردم متروک شده، جشن معروف سده است. این جشن معمولاً در "آبان‌روز" از ماه بهمن، برابر با دهم بهمن (پنج‌شنبه روز قبل از نوروز) برگزار می‌شده و چنانکه از آثار گذشته بر می‌آید، تا قرن‌ها بعد از اسلام، سخت مورد علاقه ایرانیان بوده است. در کتب تاریخی، به جشنی که مرداویج زیاری، در سال ۳۲۳ هجری در اصفهان برگزار کرد اشاره رفته است. اقداماتی که مرداویج در تهیه این جشن کرده، دلیل بر عظمت و رواج آن نزد ایرانیان گذشته است.^(۱)

* * *

اگر در کتابهای فارسی و عربی که به فرهنگ ایران بستی دارد جستجو کنیم، خواهیم توانست سیر تحول تاریخی یا مبدأ بسیاری از آداب و رسم و معتقدات امروز خود را بیابیم. علاوه بر آنچه گذشت خوب است به چند مورد دیگر نیز که از نظر فرهنگ مردم ایران اهمیت دارد اشاره کنیم:

(۱) - ر.ک. به: آناهیتا ص. ۱۴۰، جشن‌ها و اعیاد مذهبی ص ۹۲ به بعد.

رسم خانه تکانی، در شب عید بسیار معروف و شامل آداب مختلف است. از گفتار ثعالبی و بیرونی چنین برمی آید که "اولاً" این رسم پیوسته در ایران موجود بوده، "ثانیاً" ریشه آن در معتقدات زردشتیان جای دارد. ثعالبی مینویسد:

زردشت گفته است که در ایام "فروردگان" روح مردگان به خانه بازمی گردد. باین جهت وی دستور داده مردم خانه های خود را در این ایام پاکیزه کنند، فرش های زیبا بگسترانند و غذا های خوب و اشتها آور بگذارند تا روح مردگان از بوی آنها نیرو گیرد (۱).

بزرگترین سوک های ایرانیان شیعه، عزای امام حسین (ع) است. گروهی می پندارند که این عزاداری، در حقیقت دنباله سنت سوگواری ایرانیان در کشته شدن سیاوش است. هر سال، در روز قتل سیاوش، مغان زردشتی طوسی آداب و رسمهای به نوحه خواندن و توبه کردن می پرداختند.

این رسم در قرنهای اول اسلامی هنوز باقی بود و نرشخی در "تاریخ بخارا" به عزاداری مردمان بلخ در سوک سیاوش اشاره کرده است (۲).

عزاداری برای امام حسین (ع)، نزد شیعیان ایرانی، ظاهراً از زمان دیلمیان مرسوم شد، و سپس در زمان صفویان که مذهب شیعه را در سراسر ایران

(۱) - Massé ص ۱۴۶، ایوانشهر ص ۲۱۰.

(۲) - تاریخ بخارا، چاپ شفر، ص ۲۱.

رواج دادند، به صورت بسیار گسترده پس انتشار یافت. یکی از دیدهای بسیار جالب توجه سوك حسینی، تعزیه است که می‌توان آنرا بهترین نوع تئاتر ایرانی بشمار آورد. اروپائانی که از زمان صفویه به بعد به ایران سفر کرده‌اند، غالباً با نوعی تحسین، صحنه‌های مختلفی از تعزیه را شرح داده‌اند. مثلاً "کست و گوینو" از تعزیه‌های ایرانی با حرارت مخصوص صحبت می‌کند و اظهار می‌دارد که بعضی از آنها قابل مقایسه با شاهکارهای بزرگ تراژدی یونان است.

سخن گوینو تا حدی اغراق آمیز است. زیرا در این تعزیه‌ها که تقریباً همیشه به شعر بیان می‌شود، هنر شعری سازی گاه بسیار ضعیف و شامل مکررات فراوان است. معذک در میان صحنه‌های مختلف، گفتارهای غم‌انگیز، گاه به زبانی آنچنان ساده و نافذ تنظیم یافته که برآستی می‌تواند در شمار شاهکارهای ادبیات عامیانه قرار گیرد (۱).

(۱) - درباره تعزیه رجوع کنید به مقاله "دائرة المعارف اسلامی" (Encyclopédie de l'Islam) تحت عنوان "Tàziya"، "Massé" در حاشیه کتاب خود (ص ۱۲۲) منابع دائرة المعارف را با منابع دیگری تکمیل کرده است. همچنین ر. ک. به مقاله "ویرولو" (Virolleaud) در "تمدن ایرانی" ص ۳۲۲.